

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فیروز اسماعیلی نژاد
زیر نظر شورای سیاستگذاری
دبیر تحریریه: هادی محمودی فر
امور اجرایی: امید عباسی راد

امور روابط عمومی: مهدی رستمی نیا
عضو انجمن صنفی مدیران نشریات ایران
امور هنری: مریم حق پرست
چاپ: گنجینه مینیا تور - شاخه سبز
توزیع: موسسه کیان رسان

پست الکترونیکی (E-MAIL):
Eghtesaramad@gmail.com
Eghtesadsaramad.ir
نشانی سایت:

نشانی دفتر مرکزی:
تهران- میدان انقلاب- تقاطع کارگر جنوبی و لبافی نژاد- پلاک ۲۲۹- طبقه اول- واحد ۷
تلفن مرکزی روزنامه:
۰۰۸۴۲۱۶۶۳۴۶۸۷-۰۲۱(۶)

سازمان شهرستان ها: احمد یوسفی
تلفن ۰۲۱۶۶۴۹۱۶۰۱
شماره همراه: ۰۲۵۰۹۱۹۹۹۸۰
پست الکترونیکی (E-MAIL):
Eghtesadsaramad@gmail.com

رونمایی و جشن امضاء «ریشه‌های غریبه» کتاب تازه‌منتشر شده کرم‌رضا تاج‌مهر

تاج‌مهر؛ نام لرستان را به قله ادبیات رسانده



■ بهرام سلاح‌ورزی
■ بورخس

ساعت چهار سه‌شنبه‌ای بلرانی در آغاز نیمه‌ی دوم آبان ماه سال یک‌هزار و سیصد و نود هفت است. سالن آمفی تئاتر کانون پرورشِ کودکان و نوجوانان خرم‌آباد، برای چند ساعت شاهد برپایی مراسمی، با عنوان رونمایی و جشن امضاء «ریشه‌های غریبه» کتاب تازه‌منتشر شده کرم‌رضا تاج‌مهر است. جمع چشمگیری از اهالی ذوق و هنر و قلم شهر در این روز بارانی آمده‌اند تا در شادی رونمایی کار جدید تاج‌مهر و در کنار او حضوری خودمانی داشته باشند.

به قول احمد بیرانوند شاعر و نویسنده که اجرای برنامه را عهده‌دار است؛ هیچ‌کس با کارِت دعوت به مراسم خوانده نشده است؛ بنابراین همه آن‌ها که در باران آمده‌اند و در سالن حضور دارند میزبان تاج‌مهر می‌باشند و می‌شود گفت نویسنده میهمان لیخند پر مهر ادبیات است.

پس از بخش رسمی مراسم رسمی ویدیویی که امین سساکِی آن را تهیه و تدوین نموده است پخش می‌شود. ویدیو دو بخش دارد. در آغاز تاج‌مهر قسمتی از قصه «کلین پنجم» که در پشت جلد مجموعه «ریشه‌های غریبه» آمده است را می‌خواند: «رفته بود توی خیابان، مثل خیلی‌های دیگر. آخر یک پسر بچه‌ی ۱۸ ساله چی می‌فهمه از سیاست و اغتشاش، عضو کدام حزب و گروه بود؟ سنگ کی را به سینه می‌زد؟ تازه ما مگر خود بابا نمی‌گفت وقتی با بزرگ‌ترها می‌رفته تظاهرات، ۱۲ سالش بیشتر نبوده و صرف کنج‌کاوی می‌رفته و چیزی از سیاست و انقلاب سرش نمی‌شده؟! فرهاد فقط چند سال بزرگ‌تر از سن آن موقع بابا است…»

بخش دیگر ویدیو امضاء بر می‌گردد به مراسم معرفی برگزیده‌گان دوره سیزدهم و چهاردهم جایزه مهرگان ادب در سال هزار و سیصد و نود و سه.

مراسم در تهران و در محل انتشارات کتاب‌سرا برگزار گردیده است. هم آنجا که، «سمفونی قورباغه‌ها» با رأی

داوران عنوان اثر برتر را از آن خود می‌سازد.

هیات داوران جایزه مهرگان ادب در بیانیه پایانی خود این گونه به کار تاج‌مهر نگاه می‌کنند:

«سمفونی قورباغه‌ها» به دلیل اجرای فرم‌های متنوع روایت، رعایت ایجاز، مصون از حذف و ارائه تصاویر زیباشناختی از دردها و امیدهای انسان؛ به عنوان بهترین مجموعه داستان کوتاه انتخاب کرده و آن را شایسته دریافت تندیس مهرگان ادب و جایزه نقدی دانست.

همچنین هیات داوران مجموعه «سمفونی قورباغه‌ها» را به عنوان یکی از درخشان‌ترین مجموعه داستان‌های معرفی‌شده در یک دهه‌اخیر دانست و خشنودی خود را از دست‌به‌قلم شدن نویسنده جوان در شهری کوچک و دور از تهران پنهان نکرد.

بعد از قرائت بیانیه و سپس اهدای تندیس مهرگان به تاج‌مهر از طرف مهدی غبرایی مترجم سرشناس کشور؛ وی اظهار داشت که من بر این باورم که «سمفونی قورباغه‌ها» شاهکاری حیرت‌انگیز و از بهترین مجموعه داستان‌های سال‌های اخیر است.

غبرایی در همین بخش از ویدیو نه یک بار که دو بار و با تأکید می‌گوید: کرم‌رضا تاج‌مهر را به یاد داشته باشید که در حال و آینده ادبیات داستانی کشور ماندگار خواهد ماند. ویدیو تمام می‌شود و زمانی که احمد بیرانوند برای ادامه برنامه پشت تریبون می‌رود، از ذهنم می‌گذرد که «سمفونی قورباغه‌ها» سال یک هزار و سیصد و نود یک توسط نشر قطره منتشر گردیده است.

بیرانوند بسا تواضع از نصرت مسعودی، هنرمند شناخته‌شده‌ی همین عرصه می‌خواهد تا در دقایقی نگاهی اجمالی به پیشینه‌ی داستان و داستان نویسان پیشین شهر داشته باشد.

چند وقتی است مسعودی را که عمری است بلندبلند فکر کرده و همه زندگی‌اش را نقش بازی کرده و بارها خودش را، تو و من را خطاب کرده است که: «جنون که در نمی‌زند عزیز دلم» ندیده‌ام. تو گویی هزار زخم‌های لای پیرهن دارد. با آن چهره تکیده‌ی کایوس وارش پیرمرد خنزر پتزی بوف کور را برآیم تداعی می‌کند. سایه‌ای از انسانی معلق - نه زنده، نه مرده - در محیط بیمار گونه‌ای که خود هنرمندش را ناگزیر به غرق شدن در روزمرگی‌ها و پنهان شدن لای صورت‌تک‌هامی‌کند.

نمی‌دانم شاید به مرد گاری‌چی سپهری شبیه است.

((تجدید آگهی مزایده عمومی یک مرحله ای))

۱-موضوع مزایده: شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان (سهامی عام) در نظر دارد: گوساله نر پرواری تولیدی خود را بشرح ذیل از طریق مزایده عمومی و بر اساس شرایط و مشخصات اسناد مزایده به فروش برساند.

ردیف	نوع دام	تعداد (راس)	مبلغ تضمین به ریال	قیمت پایه به ریال
۱	گوساله نرهلشتاین زنده قیان بالای ۴۲۰ کیلو	۲۰۰	۹۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۲۲۵/۷۰۰ ریال

۲- مبلغ تضمین فرآیند ارجاع کار: به شرح جدول فوق

۳-نوع تضمین: فیش بانکی و یا ضمانت نامه بانکی (حداقل با اعتبار سه ماه)

۴- شرکت کنندگان می توانند نسبت به تامین و خرید اسناد از طریق نشانی های ذیل اقدام نمایند .

۱-۴- استان اردبیل ، شهرستان پارس آباد مغان -اداره مرکزی ؛ دبیرخانه کمیسیون معاملات ۰۴۵۳۲۷۵۳۱۰۱، امور بازرگانی تلفن: ۰۴۵۳۲۷۵۳۲۰۰ و ۴-۲- تهران - فلکه دوم صادقیه- بلوار فردوس- بین خیابان رامین و وفا آذر -جنب ورزشگاه خادم - طبقه چهارم- پلاک ۲۸۸- واحد ۱۵ ، همراه آقای حمید الهیاری: ۰۹۱۲۵۸۵۰۶۲۹. تلفکس: ۰۴۴۹۶۱۹۸۰-۲۱.

۳-۴- دفتر نمایندگی شهرستان تبریز: ولی امر تلفن ۰۳۶۶۸۹۵۲۹-۴۱. فاکس ۰۳۶۶۸۹۵۲۸-۴۱. همراه آقای صفر فهیمی: ۰۹۱۴۴۰۶۳۸۹۹.

۴-۴- دفتر نمایندگی شهرستان اردبیل - شهرک کارشناسان- مجتمع اداری - روبروی اداره کل حمل و نقل و پایانه های استان اردبیل تلفن ۲-۰۹۴۵۳۲۷۴۱۴۴۱. همراه آقای نظیری: ۰۹۱۴۴۵۶۱۸۵۶.

۵-۴- سایت اطلاع رسانی ملی مناقصات کشور به نشانی: www.iets.mporg.ir

۶-۴- سایت شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان: www.moghanind.com

۵-متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص شرایط برگزاری مزایده به دبیرخانه کمیسیون معاملات مراجعه و یا با شماره تلفن و فاکس ۰۴۵۳۱۸۵۲۹۰۱ تماس حاصل نمایند.

۶- متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص موضوع مزایده به امور دامپروری شرکت مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۴۵۳۱۸۵۳۱۰۰ تماس حاصل نمایند.

- تاریخ و مهلت خرید اسناد مزایده:

- تاریخ و مهلت تحویل اسناد مزایده:

- تاریخ و زمان بازگشایی پیشـنهادات:

شهرک شهید آیت الله غفاری

۶-تأمین منابع مالی: از محل درآمدهای پیش بینی شده منابع داخلی

۷- هزینه درج آگهی بهعهده برنده مزایده می باشد.

۸- مدت اعتبار پیشنهاد قیمت از تاریخ بازگشایی برابر سی روز می باشد.

چرخ یک گاری در حسرت واماندن اسب

اسب در حسرت خوابیدن گاری چی

مرد گاری چی در حسرت مرگ.

گفتم که مسعودی همه‌ی عمرش را نقش بازی کرده است! شک ندارم الان هم که دار‌د از پله‌ها بر صحنه می‌رود در دل با خود می‌گوید:

اگر بتوانم یک‌بار دیگر زندگی کنم

می‌کوشم

بیش‌تر اشتباه کنم.

نمی‌کوشم

بی‌نقص باشم.

راحت‌تر خواهم بود

سرسار تر خواهم بود.

بیرون همچنان باران می‌بارد. در سه‌شنبه آغاز نیمه دوم آبان سال نودوهفت؛ اما باورم نمی‌شود پنجره خیالم هم خیس باشد از باران.

دلم می‌خواهد بلند شوم و بگویم: آهای مر.د. مرد حسابی! چه فکر می‌کنی با خودت و جنونت؟

صدبار هم که زندگی کنی، هزار بار هم که زندگی کنی.

نمی‌توانی وجدانت را برداری ببری و در سایه پنهانی!

خودش می‌گوید کمی تا قسمتی مغزش قاط می‌زند و انگار آلزایمر شده است.

از حرفش خندeam می‌گیرم. می‌دانم حالا که بر صحنه آمده چقدر خوب بلد است نقشش را بازی کند.

کمی حرف می‌زند. سینه‌ای صاف می‌کند و از زندگی گوناگدین می‌گوید؛ اینکه بهشت برای گوناگدین نیست نوشته‌ای فلسفی و سوررئالیستی است.

مسعودی آغاز قصه لرستان را از آن علی میر در یک‌بوند می‌داند و او را سرسلسله‌ی داستان‌نویسی لرستان می‌داند. او آنگاه حرفش را به سمت تاج‌مهر می‌گرداند و می‌گوید:

قصه‌های تاج‌مهر، تصاویری ناب از غم و اندوه انسانی هستند. تصاویری مانا چونان عشق که شکل عوض می‌کند و مرگ که صورتی متغیر دارد. می‌گوید: تاج‌مهر آینده‌ای درخشان خواهد داشت.

مسعودی که باور دارد مشکلات برای تاج‌مهر درونی شده‌اند. می‌خواهد تا هیچ‌جا و توسط هیچ‌کس نویسنده‌ای چیچی نشود! چرا که نویسندگان و شعرا و همه آن‌ها که از اهالی هنر هستند، سرمایه‌های اصلی جوامع بشری‌اند. او بر این باور است که سیاستمداران بر عکس

هنرمندان مانا نیستند.

می‌گوید: از حافظ و سعدی و فردوسی تا به امثال شاملو و دولت‌آبادی چنین بوده. مانایی خاص هنر و هنرمنداست.

سیاست پیشگان را در همه اعصار از عصر حافظ و سعدی به این‌سو با شعرا و نویسندگان به قیاس می‌نشیند؛ اینکه فراشدگان چه کسانی هستند و فروشندگان کیان‌اند؟

مسعودی دیگر بار به سمت تاج‌مهر سری می‌چرخاند و تأکید می‌کند او را روز بروز عمیق‌تر خواهد دید!

حرف‌های مسعودی تمام می‌شود. در فاصله پایین او از صحنه احمد بیرانوند خاطره‌ای را نقل می‌کند و می‌گوید:

در کار پژوهشی در حیطه ادبیات و شعر پست‌مدرن شهر به‌شهر می‌گشتم تا رسیدیم به شمس لنگرودی که جویای

حال‌روز مسعودی بود. شمس از من پرسید، موضوع را با مسعودی گفته‌ای پیش از آنکه شهر به شهر گشتنت را آغاز کنی؟

گفتم‌نه!

و فهمیدم ما به زستی عادت داریم که خورشیده‌های

فروتن را نبینیم!

بیرانوند لحظه‌ای سکوت می‌کند و بعد آن که بغض چنگ انداخته در گلویش را می‌بعد از ماهیتسا طولانی می‌خواهد دل نوشته کوتاهش را در ارتباط با تاج‌مهر،

روخوانی کند.

ماهیتسای نوجوان از جمله شاگردان تاج‌مهر است که به‌اصطلاح عشقش ادبیات است. او چنین تاج‌مهر را مورد

خطاب قرار می‌دهد:

به نام خداوند مهر و مهربانی

نمادی از انسانیت،مهربانی،سرافرازی؛ نمادی از ادبیات.

آن زمان که در میان قفسه‌های پر از کتاب، گنج و بلا تکلیف قدم می‌زدم، فانوسی در راهم نهاده‌ی تابیلیموزم و بخوانم و عشق و علاقه‌ام را کشف کنم.

آن زمان که در زندگی‌ام، تنها من بودم و کتاب، فانوسی بر ورودی مسیر نوشتن نهاده‌ی تارهای جدید از جاده‌های

زندگی‌ام را بیابیم.

آن زمان که در دنیای کلماتم، دنبال نظم و آهه‌های می‌گشتم، فانوس دیگری در مسیر نهاده‌ی تابیلیموزم، افکار و جملاتم را چگونه بر وی کاغذ بیاورم.

در مسیری که در پیش گرفته‌ام، نور و روشنی و راهنمایی به‌وسی موفقیت‌هستی.

می‌نویسی و نوشته‌هایت در خاطره‌ها برای همیشه باقی خواهد ماند.

می‌گویی و صدا و گفته‌هایت به وجودمان نشاط می‌بخشد. یاد می‌دهی و آموزش‌ات، را راه را برآیمان هموار می‌سازد.

با داستان‌هایت به مغز انسان نفوذ کرده و شعله اشتیاق به خوندن را فروزان می‌کنی.

در کارگاه‌هایت، همدلی را با جاشنی کاغذ و قلم، با روح شکوفه‌های ادبیات این سرزمین، عجین می‌کنی.

چشم‌ها را بینا و گوش‌ها را شنوای می‌سازی و ذهن‌ها را می‌گشایی.

استاد عزیزم جناب آقای تاج‌مهر! در آسمان ادبیات، برای همیشه همچون ستاره‌ای پر نور و ستودنی، ماندگاری و

می‌درخشی.

به وجود افتخار می‌کنیم.

حرف‌های ماهیتسا که تمام می‌شود.

آفرین پنهانی که از شانه‌هایش پر نهاده‌ی، که راه‌خانه را گرم کرده است‌هی دلهره پهن می‌کند روی دیوار حیاط.

از طرف احمد بیرانوند شاعر، شاعرانه خوانده می‌شود تا دیدگاهش را در ارتباط با کارهای منتشرشده‌ی تاج‌مهر

برای حاضرین تبیین نماید.

آفرین پنهانی که، شاعرانه عشق بلوط‌ها و قد کشیدن پادها را در ک می‌کند و به قول خودش از تونل‌های مخوف رد شده و در ایستگاه شعر انسانی زبانه به ثبت رسیده است.

خرمندان به حضور مرگ و در درزن را در آثار تاج‌مهر چنین مورد اشاره قرار می‌دهد:

«تاج‌مهر» شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار، و متفکری

است که طی دهه‌های اخیر هم به‌عنوان معلم و مربی در تربیت ادبی فرزندان این سرزمین تلاش بسیاری

کرده و هم به‌عنوان نویسندهای توانا و آگاه به مسائل ادبی و اجتماعی توانسته است خود را به جامعه ادبیات

بشناساند و تثبیت کند.

و چوه مشترکی در دو مجموعه داستان- «سمفونی قورباغه‌ها» و «ریشه‌های غریبه» وجود دارد که فقط

خاص تاج‌مهر است. این مؤلفه‌ها به‌عنوان شناسنامه و کار ادبی ایشان، هر کجای خوانده شوند بدون امضا به نام

تاج‌مهر مَهر زده شده‌اند.

یکی از این مؤلفه‌ها عنصر مرگ در آثار داستانی «سمفونی قورباغه‌ها» و «ریشه‌های غریبه» است. «سمفونی قورباغه‌ها» سرشار از زندگی و مرگ است؛ امانه زندگی‌ها دچار روزمرگی‌اند نه مرگ‌ها، ساده‌اند.

گاهی آدم‌های داستان‌های تاج‌مهر کشته می‌شوند همچون هوشنگ در داستان سیتاج. گاهی مفقودمی‌شوند

و گمان مرگ‌شان می‌رود همچون زنی در داستان باغ کاغذی و گاه مرگی مرموز، منززل از درون همچون یک



قلوی شخصیت داستان «وقتی مادر کل کشید»

گاه مرگی که منبعث و ملهم از افسردگی ناشی از تبعیض طبقات اجتماعی است، مرگی که مرگ آرمان‌ها و اهداف است مرگی که برای هر روشنفکر و دگراندیشی پیش می‌آید وقتی دچار سرخوردگی و تردید می‌شود و یا یأس در ارتباط با ناآگاهی‌ها و نامرادی‌هایی که در نرسیدن به اهداف و آرمان‌هایش به او دست می‌دهد.

مرگ داستان‌های این دو مجموعه مرگی است که در یک فرایند حادثه‌ای اتفاق می‌افتند و گاه برآیند و مولود یک ساختار اجتماعی و فرهنگی بیمارگونه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گاهی ملهم از نابسامانی‌ها و مسائل اجتماعی است که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه و منززل‌لی هستند که بر جامعه حاکم است. این در حالی ست که مرگ در ریشه‌های غریبه با سمفونی قورباغه‌ها متفاوت است. مرگی که در داستان‌های ریشه‌های غریبه اتفاق می‌افتد مرگی است که به دلایل مختلف از امروز حکایت می‌کند. گ